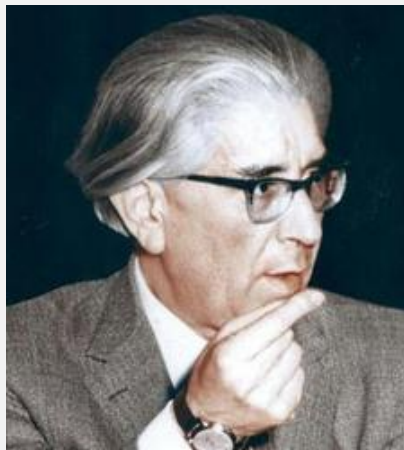


درگذشت دکتر محسن هشترودی 1355ش

محسن هشترودی در ۲۲ دی ۱۲۸۶ در شهر هشتروند چشم به جهان گشود. پدرش شیخ اسماعیل مجتهد از مشاوران شیخ محمد خیابانی یکی از فعالان نهضت مشروطه بود.



محسن هشترودی در ۲۲ دی ۱۲۸۶ در شهر هشتروند چشم به جهان گشود. پدرش شیخ اسماعیل مجتهد از مشاوران شیخ محمد خیابانی یکی از فعالان نهضت مشروطه بود. [۲] محسن هشترودی تحصیلات دبستانی خود را در مدرسه‌های سیروس و اقدسیه در شهر تبریز به پایان برد و سپس برای ادامه تحصیل در دارالفنون به تهران آمد. چند سالی در تهران به تحصیل پزشکی گذراند، تا در سال ۱۳۰۴ به عنوان دانشجوی بورسیه دولتی برای تحصیل در رشته ریاضیات به کشور فرانسه اعزام شد. [۱]

محسن هشترودی در سال ۱۳۱۴ با درجه کارشناسی در رشته ریاضیات از دانشگاه سوربون فارغ‌التحصیل شد. سپس با سرپرستی پروفسور الی کارتان در همان دانشگاه به پژوهش در زمینه هندسه دیفرانسیل پرداخت و مدرک دکترای خود را در رشته ریاضیات در سال ۱۳۱۶ دریافت کرد. [۱]

محسن هشترودی پس از بازگشت به ایران به عنوان استادیار در دانشکده علوم دانشسرای عالی به کار مشغول شد. در سال ۱۳۲۰ کرسی استادی دانشسرای عالی را دریافت کرد. در سال ۱۳۳۰ به مقام ریاست دانشگاه تبریز رسید، و در سال ۱۳۳۶ به عنوان رئیس دانشکده علوم دانشگاه تهران انتخاب شد. [۱]

پروفسور هشترودی در طول زندگی حرفه‌ای خود ارتباطش با مجامع علمی بین‌المللی حفظ کرد: وی در سال ۱۳۲۹ به عنوان نماینده دانشگاه تهران در کنگره بین‌المللی ریاضی‌دانان هاروارد شرکت کرد، در موسسه مطالعات پیشرفته دانشگاه پرینستون و به درخواست ریاست موسسه پرفسور اوپنهاইمر به عضویت پذیرفته شد، و یک ترم پاییزی را نیز به تدریس در دانشگاه هاروارد پرداخت. [۳]

کوشش‌های فرهنگی

پروفسور هشترودی مهارت زیادی در بیان اصول و پدیده‌های علمی و فناوری‌های جدید به زبان ساده داشت، و با نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود می‌توانست با قشر بزرگی از جامعه ارتباط برقرار کند و مفاهیم اصلی دانش و فناوری را به آنان منتقل نماید. به فلسفه، شعر و موسیقی علاقه زیادی داشت و خود نیز اشعاری سرود.

پروفسور هشترودی از پیشروان تفکر انتقادی در ایران بود. او تاکید زیادی بر اهمیت علوم پایه داشت تا جایی که شاخه‌های دیگر دانش مانند علوم اجتماعی و علوم انسانی را بی‌اهمیت و غیرعلمی می‌خواند. در همین حال فلسفه، هنر و عرفان را مکمل علم می‌دانست. وی اعتقاد داشت که «علم و هنر» تنها نوع ارزشمند دانش، «هنر» و «نگاهی ظریف به زندگی، و فلسفه» غایت معرفت‌شناسی است، و هیچ یک بدون نوآوری و اصالت ارزشی ندارند. [۱]

پژوهش‌های علمی

تخصص پروفسور هشترودی در زمینه هندسه دیفرانسیل بود. مهمترین اثر علمی نگاشته شده توسط محسن هشترودی، پایان‌نامه دکترای او در زمینه هندسه دیفرانسیل است، که در آن یکی از مدل‌های ریاضی استادش (الی کارتان) را تعمیم داد که امروزه به نام «التصاق هشترودی» (Hachtroudi Connection) شناخته می‌شود. [۱] او در طول زندگی حرفه‌ای در ایران چند مقاله کوتاه علمی نیز منتشر کرد. جدای از پژوهش علمی، پروفسور هشترودی به عنوان یک متفکر منتقد و ریاضیدان نامدار ایرانی، دارای اهمیت نمادین و شخصیتی اثرگذار در جامعه علمی معاصر ایران بوده است.

هشترودی در گفته‌های دیگران

پرویز شهریاری درباره محسن هشترودی گفته است:

«#; دو خصلت اساسی هشترودی را از دیگران ممتاز می‌کرد: واقع‌بینی و بی‌پروایی؛ و به همین خاطر بود که همیشه انسانی فکر می‌کرد و هرگز از بیان اندیشه خود بیم نداشت. او در سالهای آخر عمر در گفتگویی با کیهان به سختی به سوء استفاده‌ای که از دانش امروز می‌شود حمله کرد و گفت: «#;

پیشرفت دانش و تکنیک به ضرر انسان است، به هنر و سعادت انسان صدمه می‌زند... اگر من اختیار و قدرت داشتم در موسسات علمی را می‌بستم و پژوهش علمی را متوقف می‌کردم و بشر را از زیان خسران و بدبختی که اکنون گریبانگیرش است نجات می‌دادم. بشر را به ظلمت مغازه‌ای می‌بردم تا برای گرم کردن خود هیزم روشن کند و نیازی به رادیوم و اورانیوم نداشته باشد تا برای دستیابی به آن بازار درست کند و جنگ به راه بیندازد. این به من اسلحه بفروشد، آن به تو. این خیانت به اخلاق انسانی است. این دانش و تکنیک نیست. پیشرفت دانش و تکنیک در شرایطی که انسان‌ها از چستی خود نمی‌دانند و تفکر هنوز به مرحله رشد دانش علمی نرسیده است پیشرفت دانش همچون زهری شیرین برای انسان است. در تمامی تاریخ دانش، والاترین نمایندگان فرهنگ انسانی در برابر درد و اندوه جامعه انسان بی‌تفاوت نبوده‌اند، چرا که دشمنان انسانیت دشمن دانش هم بوده‌اند و به همین مناسبت است که دانشمندی چون انیشتین، راسل، سارتر، زاخاروف و دیگران جدا از فعالیتهای علمی خود و حتی بیش از آن در جستجوی راهی برای کم کردن دردهای آدمیان برخاستند...

پرویز شهریاری در ادامه گفته:

«#;... و محسن هشترودی دانشمندی از این قبیل بود. او می‌اندیشید و همیشه و در تمام عمر خود می‌اندیشید و به همین مناسبت انسان بود و مثل هر انسان اندیشه‌مندی بی‌پروا. او از جنگ و دشمنی میان انسان‌ها نفرت داشت و انسان بودن را بر دانشمند بودن مقدم می‌داشت و حرف و اعتقاد خود را بی‌پروا می‌گفت؛ بی‌پروا از اینکه با دیگر حرفها متفاوت است و بی‌پروا از این که ممکن است به کسی بر بخورد. او انسانی دانشمند یا بهتر بگوییم دانشمندی انسان بود.

نخستین بار که استاد را شناختم در دانشگاه تهران بود که به عنوان دانشجو در کلاس درس او حاضر شده بودم. وقتی که از کلاس بیرون آمدم، به واقع دگرگون شده بودم. پس به این ترتیب هم می‌شود درس داد، پس می‌توان معلم ریاضی بود ولی روح و ذهن دانشجو را چنان افسون کرد که او در برابر شرف انسانی و دانش عام و همه جانبه استاد، از طرفی، خود را کوچک احساس کند و از طرفی دیگر، پُر از شوق و امید شود. درس استاد درس انسانیت و درست اندیشیدن بود و آدمی را در دنیایی از شوق و شگفتی فرو می‌برد.

به راحتی و بی‌پروا حرف می‌زد و بدون اینکه برای هر مجلسی شأن جداگانه‌ای قایل باشد، آنچه در دل داشت بیرون می‌ریخت و هرگز فراموش نمی‌کنم لحظاتی را که در پایان نخستین کنفرانس معلمان ریاضی که در دانشگاه پهلوی شیراز تشکیل شده بود، نیم ساعتی صحبت یا دقیقتر بگویم درددل می‌کرد و تقریباً همه همراه او می‌گریستند. «#;

هشترودی در گفته‌های منوچهر آتشی

به نوشته منوچهر آتشی[۵]، نقشی که پروفیسور هشترودی در ادبیات معاصر ایران داشت، همان نقشی است که برتراند راسل در ادبیات انگلیسی داشت البته با معیاری کوچکتر. وی در این باره گفته است: «#; محسن هشترودی دارای درجه دکترای ریاضیات از نخستین دانشجویان ایرانی بود که همزمان با اجتهاد در رشته‌های فیزیک و ریاضی، دارای شناخت عمیق از هنر و ادبیات و نقاشی نو بود و وقتی وارد محافل روشنفکری ایران شد به عنوان قطبی برای رفع و رجوع دشواری‌های مسایل و مباحث فکری شناخته شد. تلاش هشترودی بیشتر وقف این بود که رابطه زنده و آشکار بین هنر و دانش تازه را کشف نموده و به آگاهی پژوهندگان برساند. «#;

هشترودی در گفته‌های امیرحسین آریان‌پور

امیرحسین آریان‌پور نوشته است: [مدرک معتبری برای نقل قول امیرحسین آریان‌پور ذکر نشده است] «#; هشترودی مشاغل غیر دانشگاهی را به هیچ نمی‌گرفت و به ندرت به مجالس بزرگان پا می‌نهاد. زندگی ساده‌ای داشت. پس از ساعات تحقیق و تدریس با دوستانش شطرنج بازی می‌کرد، به موسیقی گوش فرا می‌داد و داستان می‌خواند. در برابر فشارهای کشنده روزگار فقر ظاهری و باطنی جامعه، مرگ فرزند، و پیری به هنر پناه می‌برد و از بازخوانی غزل‌های حافظ آرامش می‌یافت و با سرودن شعرهای لطیف سبک بار می‌شد. با این وصف گاهی دامنش از دست می‌رفت و کارش به شطح می‌کشید. «#;

۱/۰ ۱/۱ ۱/۲ ۱/۳ ۱/۴ ۱/۵ ۱/۶; #171& MOSEN (Hachtroudi), HATRUDI (انگلیسی). دانشنامه ایرانیکا. بازبینی شده در ۱۱ فروردین ۱۳۸۹.

Mohsen Hashtroodi; #171&، ویکی‌پدیای انگلیسی، دانشنامه آزاد (بازیابی در ۲۸ اسفند ۱۳۸۸).

#171&؛ پروفسور محسن هشترودی; #171&؛ وبگاه جام جم، ۲۲ آذر ۱۳۸۷. بازبینی شده در ۱۲ آذر ۱۳۹۰.

نگارش #171&؛ هشترودی; #171& بصورت Hachtroudi از املائی نام خانوادگی محسن هشترودی به زبان فرانسوی گرفته شده که زبان پایان‌نامه دکترای او بوده است.

سیر اندیشه بشر